



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۲/۱۳



حامد نوید

این خانه چه خانه ست؟

در سال ۲۰۰۶ داستان تاریخی سرود نیستان را به زبان انگلیسی زیر عنوان The Music of The Reeds نوشتم که سفر حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی را از بلخ به قونیه، دیدار او با شمس و ملاقاتش با کیمیا دختری را که به فرزندگی گرفت شرح میدارد.

در سال ۲۰۰۸ خانه خداوندگار بلخ را از نزدیک دیدم که سخت ویران بود و در حال فرو ریختن قرار داشت. شعری را نیز به زبان انگلیسی نگاشتم تا باشد توجه دوستداران این عارف بزرگ عالم عرفان و تصوف را برای اعمار خانه او که در گوشه دور افتاده ای از شهر تاریخی بلخ قرار دارد جلب کند. در سال ۲۰۱۱ باز هم سفری در بلخ داشتم و خانه آن افتخار بزرگ عالم بشریت را که همه به نام او می نازیم ویرانه تر از پیش یافتم اما کسی بدان توجهی زیادی نداشت. از آن وقت تاکنون نمیدانم که آیا چه اقدامی برای محافظت این جایگاه مهم تاریخی از طرف دولت افغانستان و یا از سوی یونسکو UNESCO و بنیادهای جهانی حفظ آبدات تاریخی دیگر صورت گرفته یا نه؟ ازینرو موضوع را به دوستداران حضرت مولانا راجع می کنم تا باشد نظریات نیک و سازنده شانرا ابراز دارند. شاید ما خود قادر شویم که این خانه ویرانه را آباد سازیم. زیرا مصارف محافظت آن با پوششی از تخته های آهن چادر و یا پلاستیک، طوریکه مسجد نه گنبد محافظت گردیده بسیار گزاف نیست و به مبالغ هنگفتی نیاز ندارد.

A tribute to Rumi

By Hamid Naweed

From the birthplace of Rumi
Where the thoughts travel far
From the four corners of the world
To the solitude of a faraway star
From the fidelity of the human soul
To the barren desert of untamed desires
From the melodious swing of blue waves
To the fervent flames of dancing fires
From the purity of the garden of hope
To the loneliness of soaring mountain crests
There is a search to find the haven
Where the angels build their nests
In the struggle to find the lasting peace
Blessed by the virtue of Love

Some may look in the world that surrounds us
And some in the world above

But the search ends within us
Where the light of truth lastingly shines
Let's find the world of our real existence
Where the colors are free
from the boundaries of lines



Hamid Naweed at Mowlana's Home
Balkh, September 2008

به اقتفا از شعر حضرت مولانا

" این خانه که پیوسته درو چنگ و چغانه ست از خواجه بپرسید که این خانه چه خانه ست "

این خانه چه خانه ست؟

این خانه که ویران شده از ظلم زمانه ست مترکه عشق است و یا دیرمغانه ست؟
آسرفش نمای بگو شتم که همس کلفت: منظور تو از آمدن اینجا چه بهانه ست؟
آهسته فترم نه که ترا خواجه دهر از ن ای آنکه ندانی که درینجا چه فغانه ست
کفتم که سفر کمرده ام از دور درین کوی زانرو که مرا خاک درش گنج شمانه ست
هر شخت فروریخته از بام و در آن یادی ز حضور دل و آهنگ شبانه ست
هر چند فسرانش شده در پهنه تاریخ دیگر نه در آن نغمه نامی است و چغانه ست
در مسک سخن زاد درین خاندان عزیز کز نور جلالش همه در بلخ نشانه ست
فسرزند کرانمایه سلطان طریقت کاند ره حکمت نه ورا حصر و کرانه ست
لیکن سخن عشق چو آید نفس او چون نی به خروش است و پُرانیت و ترانه ست
گفت ابده درون آنکه ترا راه برادند تا خواجه بگوید تو "کاین خانه چه خانه ست"

حامد نوید سبتمبر ۲۰۱۱ بلخ



نمای از مسجد نه گنبد بلخ یا " هج پیاده" و ساختمان های محافظوی آن

